

در دربار خشایارشا  
پادشاه ایران. او به  
دنبال یک ملکه جدید  
است. استر زیبا یک  
یهودی است

في بلاط الملك الفارسي  
زركسيس. إنه يبحث  
عن ملكة جديدة.  
الجميلة استر يهودية.

17. و پادشاه، به استر بیش از همه  
زنان دیگر مهر ورزید، و او بیش از  
هر دوشیزه دیگر تحسین و نظر لطف  
پادشاه را به خود جلب کرد. از این  
رو پادشاه تاج شاهی بر سر او نهاد  
و او را به جای وشتی شهبانو  
ساخت.

18. آنگاه پادشاه به افتخار استر  
ضیافتی بزرگ برای همه صاحب  
منصبان و خدمتگزاران خود به پا  
کرد. پادشاه آن روز را در تمامی  
ولایتها تعطیل اعلام کرد، و به گرم  
ملوکانه خود، هدایا ارزانی داشت.

17. فَأَحَبَّ الْمَلِكُ أَسْتِيرَ أَكْثَرَ مِنْ  
جَمِيعِ النِّسَاءِ، وَوَجَدَتْ نِعْمَةً  
وَإِحْسَانًا قَدَّامَهُ أَكْثَرَ مِنْ جَمِيعِ  
الْعَذَارَى، فَوَضَعَ تَاجَ الْمَلِكِ عَلَى  
رَأْسِهَا وَمَلَكَهَا مَكَانَ وَشْتِي.

18. وَعَمِلَ الْمَلِكُ وَلِيمَةً عَظِيمَةً  
لِجَمِيعِ رُؤَسَائِهِ وَعَبِيدِهِ، وَلِيمَةً  
أَسْتِيرَ. وَعَمِلَ رَاحَةً لِلْبِلَادِ  
وَأَعْطَى عَطَايَا حَسَبَ كَرَمِ  
الْمَلِكِ.

1. پس از این امور، خشایارشای پادشاه، هامان پسر همداتای آجاجی را ارتقا بخشید و به او مقامی والاتر داد و کرسی او را از تمامی صاحب منصبانی که با او بودند، بالاتر گذاشت.

2. همه خدمتگزاران شاه که بر دروازه پادشاه بودند، به هامان سر فرود می آوردند و وی را سجده می کردند، زیرا که پادشاه درباره اش چنین فرمان داده بود. اما مُردِخای خم نمی شد و سجده نمی کرد.

3. پس خدمتگزاران شاه که بر دروازه پادشاه بودند، به مُردِخای گفتند: «چرا تو از فرمان پادشاه سر می پیچی؟»

1. بَعْدَ هَذِهِ الْأُمُورِ عَظَّمَ الْمَلِكُ أَحْشَوِيرُوشَ هَامَانَ بْنِ هَمْدَاثَا الْأَجَاجِيِّ وَرَفَّاهُ، وَجَعَلَ كُرْسِيَهُ فَوْقَ جَمِيعِ الرُّؤَسَاءِ الَّذِينَ مَعَهُ.

2. فَكَانَ كُلُّ عَبِيدِ الْمَلِكِ الَّذِينَ بِيَابِ الْمَلِكِ يَخْتُونُ وَيَسْجُدُونَ لَهُامَانَ، لِأَنَّهُ هَكَذَا أَوْصَى بِهِ الْمَلِكُ. وَأَمَّا مُرْدَخَائِي فَلَمْ يَجِبْ وَلَمْ يَسْجُدْ.

3. فَقَالَ عَبِيدُ الْمَلِكِ الَّذِينَ بِيَابِ الْمَلِكِ لِمُرْدَخَائِي: «لِمَاذَا تَتَعَدَّى أَمْرَ الْمَلِكِ؟»

4. آنان هر روز این را به مُردِخای می‌گفتند، اما وی بدیشان گوش نمی‌گرفت. پس هامان را از این امر آگاه ساختند تا ببینند آیا کلام مُردِخای استوار می‌ماند یا نه، زیرا ایشان را گفته بود که من یهودی هستم.

5. هامان چون دید که مُردِخای خم نمی‌شود و او را سجده نمی‌کند، از خشم پر شد.

6. اما تنها بر مُردِخای دست دراز کردن را کسر شأن دانست. پس چون او را از قوم مُردِخای آگاه ساخته بودند، هامان بر آن شد تا همه یهودیان یعنی قوم مُردِخای را که در سرتاسر مملکت خشایارشا بودند، از میان بردارد.

4. وَإِذْ كَانُوا يَكْلَمُونَهُ يَوْمًا فَيَوْمًا وَلَمْ يَكُنْ يَسْمَعُ لَهُمْ، أَخْبَرُوا هَامَانَ لِيَرَوْا هَلْ يَقُومُ كَلَامُ مُرْدَخَايَ، لِأَنَّهُ أَخْبَرَهُمْ بِأَنَّهُ يَهُودِيٌّ.

5. وَلَمَّا رَأَى هَامَانُ أَنَّ مُرْدَخَايَ لَا يَجْتَنُو وَلَا يَسْجُدُ لَهُ، أَمْتَلًا هَامَانُ غَضَبًا.

6. وَأَزْدُرِي فِي عَيْنَيْهِ أَنْ يَمُدَّ يَدَهُ إِلَى مُرْدَخَايَ وَحْدَهُ، لِأَنَّهُمْ أَخْبَرُوهُ عَنْ شَعْبِ مُرْدَخَايَ. فَطَلَبَ هَامَانُ أَنْ يَهْلِكَ جَمِيعَ الْيَهُودِ الَّذِينَ فِي كُلِّ مَمْلَكَةٍ أَحْشَوِيرُوشَ، شَعْبَ مُرْدَخَايَ.

## مقدمه استر 2

مردخای از استر ، ملکه  
یهود ، کمک می خواهد.  
استر می گوید: خطر مرگ  
به دنبال توست که بدون  
درخواست از پادشاه نزد من  
آمده ای.

## مقدمة من استر 2

مردخای یطلب المساعدة من  
إستير ، الملكة اليهودية.  
تقول إستير: إن المجيء إلى  
الملك دون أن يُطلب منك أمر  
يهدد الحياة.

## Ester 4,13-14

Mordechai zu Ester:

Glaube ja nicht, dass du im Palast in Sicherheit bist. Sollte es dir anders ergehen als allen anderen Juden? Willst du in dieser Lage wirklich schweigen?

Dann kommen Befreiung und Rettung für die Juden eben von anderswo her.

Du aber und dein Familie- ihr kommt dann um. Wer weiß, vielleicht bist deswegen gerade du in dieser Zeit Königin geworden.

13. فَقَالَ مُرْدَخَايُ أَنْ تُجَاوِبَ  
أَسْتِيرُ: «لَا تَفْتَكِرِي فِي نَفْسِكَ  
أَنَّكَ تَجِينِ فِي بَيْتِ الْمَلِكِ دُونَ  
جَمِيعِ الْيَهُودِ.»

14. لِأَنَّكَ إِنْ سَكَتِ سَكُوتًا فِي  
هَذَا الْوَقْتِ يَكُونُ الْفَرَجُ وَالنَّجَاةُ  
لِلْيَهُودِ مِنْ مَكَانٍ آخَرَ، وَأَمَّا أَنْتِ  
وَبَيْتُ أَبِيكَ فَتَيَبِّدُونَ. وَمَنْ يَعْلَمُ  
إِنْ كُنْتِ لَوْقْتِ مِثْلِ هَذَا وَصَلْتِ  
إِلَى الْمَلِكِ؟»

Ester 4,15-17

Ester zu Mordechai:

Geh und versammle alle Juden, die du in Susa findest. Bittet für mich, indem ihr fastet: Drei Tage lang sollt ihr nichts essen und trinken, weder in der Nacht noch am Tag.

Auch ich will zusammen mit meinen Dienerinnen fasten. Danach werde ich zum König hineingehen, auch wenn das gegen das Gesetz verstößt. Wenn ich dann umkomme, so komme ich eben um

15. فَقَالَتْ أَسْتِيرُ أَنْ يُجَاوِبَ  
مُرْدَخَائِي:

16. «أَذْهَبُ أَجْمَعُ جَمِيعَ الْيَهُودِ  
الْمَوْجُودِينَ فِي شُوشَنَ وَصُومُوا  
مِنْ جِهَتِي وَلَا تَأْكُلُوا وَلَا تَشْرَبُوا  
ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ لَيْلًا وَنَهَارًا. وَأَنَا أَيْضًا  
وَجَوَارِيَّ نَصُومُ كَذَلِكَ. وَهَكَذَا أَدْخُلُ  
إِلَى الْمَلِكِ خِلَافَ السَّنَةِ. فَإِذَا  
هَلَكْتُ، هَلَكْتُ.»

17. فَأَنْصَرَفَ مُرْدَخَائِي وَعَمِلَ  
حَسَبَ كُلِّ مَا أَوْصَتْهُ بِهِ أَسْتِيرُ

1. پس پادشاه و هامان رفتند تا با شهبانو استر در ضیافت شرکت کنند.

2. روز دوم نیز، به هنگام نوشیدن شراب، پادشاه از استر پرسید: «شهبانو استر، چه درخواستی داری که به تو داده خواهد شد. خواهش تو چیست؟ حتی اگر نیمی از مملکت باشد، برآورده خواهد شد.»

1. فَجَاءَ الْمَلِكُ وَهَامَانُ لِيَشْرَبَا عِنْدَ أَسْتِيرِ الْمَلِكَةِ.  
2. فَقَالَ الْمَلِكُ لِأَسْتِيرَ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي أَيْضًا عِنْدَ شُرْبِ الْخَمْرِ: «مَا هُوَ سُؤْلُكَ يَا أَسْتِيرُ الْمَلِكَةِ فَيُعْطَى لَكَ؟ وَمَا هِيَ طَلِبَتُكَ؟ وَلَوْ إِلَى نِصْفِ الْمَمْلَكَةِ تُقْضَى.»



## Ester 7,3-4

Ester sagt:

Habe ich Gnade gefunden bei dir, König? Und gefällt es dem König? Dann lass mich am Leben- das ist meine Bitte. Und lass mir mein Volk- das ist mein Wunsch. Denn man hat uns verkauft, mich und mein Volk. Man will uns ausrotten, töten, vernichten. Wenn wir als Sklaven und Sklavinnen verkauft würden, dann würde ich schweigen. Dann wäre die Not nicht so groß, dass es recht wäre, den König damit zu belästigen.

3. فَأَجَابَتْ أَسْتِيرُ الْمَلِكَةَ  
وَقَالَتْ: «إِنْ كُنْتُ قَدْ وَجَدْتُ نِعْمَةً  
فِي عَيْنَيْكَ أَيُّهَا الْمَلِكُ، وَإِذَا حَسُنَ  
عِنْدَ الْمَلِكِ، فَلْتُعْطَ لِي نَفْسِي  
بِسُؤْلِي، وَشَعْبِي بِطِلْبَتِي.

4. لِأَنَّنا قَدْ بَغْنَا أَنَا وَشَعْبِي لِلْهَلَاكِ  
وَالْقَتْلِ وَالْإِبَادَةِ. وَلَوْ بَغْنَا عَبِيدًا  
وَإِمَاءً لَكُنْتُ سَكْتُ، مَعَ أَنَّ الْعَدُوَّ  
لَا يُعَوِّضُ عَن خَسَارَةِ الْمَلِكِ.»

5. آنگاه خشایارشای پادشاه به شهبانو استر گفت: «آن کیست و کجاست که جسارت کرده تا دست به چنین کاری بزند؟»

6. استر گفت: «خصم و دشمن! همین هامان شریر!» آنگاه هامان در حضور شاه و شهبانو به هراس افتاد. 7. و پادشاه برآشفته، از نوشیدن شراب برخاست و به باغ کاخ رفت. اما هامان چون دید که بلا از جانب پادشاه برایش مقدر است، در آنجا ماند تا برای جان خود دست به دامان شهبانو استر شود.

5. فَتَكَلَّمَ الْمَلِكُ أَحْسُوَيْرُوشُنْ وَقَالَ لِأَسْتِيرِ الْمَلِكَةِ: «مَنْ هُوَ؟ وَأَيْنَ هُوَ هَذَا الَّذِي يَتَجَسَّرُ بِقَلْبِهِ عَلَى أَنْ يَعْمَلَ هَكَذَا؟»

6. فَقَالَتْ أَسْتِيرُ: «هُوَ رَجُلٌ خَصْمٌ وَعَدُوٌّ، هَذَا هَامَانُ الرَّدِيءُ». فَأَرْتَاعَ هَامَانُ أَمَامَ الْمَلِكِ وَالْمَلِكَةِ. 7. فَقَامَ الْمَلِكُ بَغِيظَهُ عَنْ شُرْبِ الْخَمْرِ إِلَى جَنَّةِ الْقَصْرِ. وَوَقَفَ هَامَانٌ لِيَتَوَسَّلَ عَنْ نَفْسِهِ إِلَى أَسْتِيرِ الْمَلِكَةِ، لِأَنَّهُ رَأَى أَنَّ الشَّرَّ قَدْ أُعِدَّ عَلَيْهِ مِنْ قِبَلِ الْمَلِكِ.



## حضار گرامی!

1. پادشاه ایرانی خشایارشا، به هامان (شخصیتی در کتاب اِستَر) عنوان بالاترین سمت اداری کشور (امروزه آن را نخست وزیر می نامیم) را اعطا کرد. و جمیع خادمان پادشاه که در دروازه ی پادشاه می بودند، به هامان سر فرود آورده، وی را سجده می کردند (اِستَر 2،3) انگار که هامان یک خدای کوچک بود. همه ی مردم اینگونه به او سر تعظیم فرود آوردند به جز مُردِخای. مُردِخای یک یهودی بود و تنها و تنها به یک خداوند اعتقاد داشت و تنها جلو خداوند خود سر تعظیم فرود می آورد و نه در مقابل یک انسان.

## المصلين الأعزاء!

1- الملك الفارسي زركسيس يعين هامان رئيسا للمسؤولين ، واليوم نقول رئيس الوزراء. يجب على الجميع الآن الركوع أمام هامان والانحناء أمامه (اِستير 3 ، 2) - كما لو كان هامان إلهًا صغيرًا. الجميع يتماشى معها - باستثناء مردخاي. مردخاي يهودي. يؤمن بالله وحده. ولكن قبله يريد الركوع والانحناء وليس أمام الإنسان.

2. هامان از این اتفاق خشمگین شد و به همین دلیل از مُردِخای و همه ی یهودیان که تنها به یک خداوند اعتقاد داشتند و مقابل خودش سر فرود نیاوردند نفرت پیدا کرد. هامان میخواست که مانند یک خدای کوچک مورد پرستش قرار بگیرد و بعد از پادشاه، بزرگترین شخص باشد. پس هامان تصمیم میگیرد تمام یهودیان در امپراطوری پارسی کشته شوند.

2- هامان غاضب من هذا. لذلك فهو يكره مردخاي وجميع اليهود الذين يؤمنون بالله واحد فقط ولا يسجدون لأحد. لكن هامان يريد أن يُعبد مثل إله صغير. يريد - بعد الملك - أن يكون الأعظم. قرر هامان قتل جميع اليهود في الإمبراطورية الفارسية.

3. مانند زمان هامان ، یهودستیزی و خصومت با یهودیان بارها و بارها در تاریخ دیده شده است. آنها تنها خداوند را پرستش میکنند و در پرستش یک انسان شرکت نمیکنند. و در نتیجه بسیاری از کسانی که صاحب قدرت هستند را با خود دشمن میکنند.

و بنابراین یهودیان مورد تحقیر، ستم، آزار و کشته شدن قرار گرفتند و میگیرند. بدترین اتفاق در این مورد هم 80 سال پیش در آلمان اتفاق افتاد که 6 میلیون یهودی توسط نازی ها کشته شدند.

3- كما هو الحال مع هامان ، نشأت معاداة السامية والعداء تجاه اليهود مرارًا وتكرارًا في التاريخ. اليهود يتصرفون بشكل مختلف. إنهم يعبدون الله فقط ، وبالتالي لا يشاركون في عبادة الناس.

هذا يجعلهم غير محبوبين لدى العديد من الحكام. وهكذا كان اليهود وما زالوا محتقرون ومضطهدون ومضطهدون وقتلون. كان العداء تجاه اليهود أسوأ ما في ألمانيا قبل 80 عامًا ، عندما قتل النازيون 6 ملايين يهودي.

4. مانند یهودیان، امروزه مسیحیان نیز در بسیاری از کشورهای که به عنوان اقلیت زندگی می کنند تحت ستم و محرومیت قرار دارند. بیشتر از 200 میلیون مسیحی تحت فشار قرار دارند و تنها بخشی از آنها مانند کسانی که بین ما هستند میتوانند از کشور خود خارج شوند تا ایمان مسیحی خود را در کشوری دیگر به صورت آزادانه زندگی کنند.

4- تمامًا مثل اليهود ، يتعرض المسيحيون الآن للقمع والحرمان في العديد من البلدان التي يعيشون فيها كأقلية. يتعرض أكثر من 200 مليون مسيحي للاضطهاد اليوم والبعض منهم فقط - مثل الكثير منا - يمكنهم الفرار ليعيشوا إيمانهم بحرية في مكان آخر.

5. استر که یهودی بود به دلیل زیبایی اش ملکه ی ایران شد. مُردخای، استر را توسط یکی از خادمان قصر از نقشه ی کشتن یهودیان آگاه کرد. او استر را تشویق می کند که حتی در شرایط خطرناکی که برای ملکه وجود داشت برای یهودیان از پادشاه درخواست بخشش کند. در ابتدا استر ترسید اما سپس شهامت پیدا می کند تا از یهودیان دفاع کند، حتی اگر جان خود از طرف پادشاه (شوهرش) در خطر قرار گیرد. یهودیان روزه می گیرند و دعا می کنند و از خدا میخواهند به کاری که استر برای نجاتشان در نظر دارد برکت دهد.

5- أصبحت اليهودية إستر ملكة بلاد فارس بسبب جمالها. يُبلغ مردخاي إستر عن خطط قتل هامان بمساعدة خادم القصر. وهو يشجع إستير على طلب الرحمة من الملك لليهود كملكة، حتى في ظل الظروف الخطيرة. في البداية كانت إستير خائفة ثم تتشجع بعد ذلك للدفاع عن اليهود، حتى لو كانت حياته في خطر مع الملك، زوجها. يصوم اليهود ويصلون ليطلبوا من الله أن يبارك خطط إستير للخلاص.



6. این مثال از استر ما مسیحیان را نیز تشویق می کند که برای حفاظت از یهودیان و مسیحیان در برابر آزار و اذیت ، برای آزادی مذهبی و حمایت از اقلیت های تهدید شده و مظلوم دفاع می کنیم. مثال استر ما را تشویق میکند تا از همه ی امکاناتی که برای ما وجود دارد استفاده کنیم و حتی ریسک خطرات آن را بپذیریم بدون آنکه بدانیم این فعالیت ما نتیجه ای خواهد داشت یا نه. همانطور که به عنوان مثال اسکار شیندلر که از فیلم " لیست شیندلر " معروف است. او صاحب شرکتی بود که در زمان جنگ جهانی دوم بسیاری از یهودیان را با استخدام کردن در شرکت خود از خطر نابودی و مرگ نجات داد.

6- يشجعنا مثال إستير كمسيحيين على أننا أيضاً ندافع عن حماية اليهود والمسيحيين من الاضطهاد ، وأنا ندافع عن الحرية الدينية وحماية الأقليات المهددة والمضطهدة. يشجعنا مثال Ester على الاستفادة من جميع الاحتمالات المتاحة لنا والتصرف في خطر دون معرفة ما إذا كانت خطتنا ستنجح أم لا. على سبيل المثال ، أنقذ رجل الأعمال أوسكار شندلر ، المعروف من فيلم " Schindler's List "، العديد من اليهود من الإبادة خلال الحرب العالمية الثانية من خلال توظيفهم في شركته.

7. وقتی که ما این شجاعتِ اِستِر را در زندگی خود بکار می‌بریم و سوالاتی که برای ما بوجود می‌آید چه معنایی برای ما دارد؟ به عنوان یک مسیحی ما می‌بایست مانند مُردِخای در داستانِ اِستِر برای اعتقاداتمان عمل کنیم و آن را همچنین در مقابل دیگران اعتراف کنیم. "بله، من مسیحی هستم، من به عیسی مسیح ایمان دارم." "من می‌خواهم غسل تعمید بگیرم و فرزندم را نیز تعمید دهم." "من به خداوند دعا می‌کنم و به او ایمان دارم." شما چطور؟

7- ماذا يعني لنا عندما نطبق هذه الشجاعة من اِستِر على حياتنا والأسئلة التي نواجهها؟ كمسيحيين يجب علينا وربما - مثل مردخاي في قصة اِستير - أن ندافع عن إيماننا ونعترف به أمام الآخرين. "نعم، أنا مسيحي، وأؤمن بيسوع." "أريد أن أعتمد وأريد أن يعتمد ابني." "أصلي وأثق بالله." "وأنت؟"

8. ما به عنوان یک مسیحی، مانند استر، در جامعه خود طرفدار این هستیم که هیچکس به دلیل اصالت، مذهب، جنسیت یا موقعیت اجتماعی تحت فشار یا محرومیت قرار نگیرد. این می تواند به معنای محافظت از زنان کشورمان در برابر خشونت و سوء استفاده ی مردان باشد. این می تواند به معنای تلاش آلمان برای اطمینان از پذیرش افغان هایی باشد که اکنون به دلیل طالبان از کشور خود فرار کرده اند.

8- کمسیحین ، مثل استر ، ندعو في مجتمعا إلى عدم تعرض أحد للضغط أو الحرمان بسبب أصله أو دينه أو جنسه أو وضعه الاجتماعي. يمكن أن يعني ذلك حماية النساء في بلدنا من العنف وسوء المعاملة من قبل الرجال. يمكن أن يعني ذلك العمل لضمان قبول الأفغان الذين يفرون الآن من بلادهم بسبب طالبان في ألمانيا.

9. این شجاعتِ استر برای افراد دیگر می تواند به این معنی باشد که ما با قدرت و شجاعت از عضوی از خانواده که بیمار است محافظت کنیم، به عنوان مثال یک کودک یا یک فرد مسن. و در زندگی عادی روزمره ی خود برای افراد خانواده قابل اعتماد و پر انرژی باشیم. توسعه ی شجاعتِ استر را می توانیم در شغل خود نیز بکار ببریم. با تلاش برای یک هدف خوب و کاملاً متعهد به وظایفی که در شغل خود داریم.

9- تنمية شجاعة إستر لأشخاص آخرين - وهذا يمكن أن يعني أيضاً أننا نعمل بقوة وشجاعة لأحد أفراد الأسرة المريض ، مثل طفل أو شخص مسن - وأننا متواجدون من أجل عائلتنا بشكل موثوق وبطاقة في الحياة اليومية العادية . تطوير شجاعة إستر - يمكننا القيام بذلك في عملنا أيضاً ، من خلال النضال من أجل قضية جيدة والالتزام التام بمهمتنا .

10. مردم ایستادگی میکنند و می جنگند و گاهی اوقات در مسیر اشتباه قرار می گیرند. بنابراین برای مسیحیان مهم است که در مورد اراده خدا سوال کنند و با شجاعت و انرژی برای چیزهایی که مطابق اراده ی خداوند است کار کنند. برای مُردِخای و اِستر واضح بود: خواست خدا این است که قوم او، یهودیان از نابودی محافظت شده و نجات پیدا کنند.

10- يدافع الناس كثيرًا ويقاثلون - وفي بعض الأحيان ينتهي بهم الأمر في المسار الخطأ. لذلك من المهم للمسيحيين أن يسألوا عن إرادة الله وأن يعملوا بشجاعة و طاقة للأشياء التي تتوافق مع إرادة الله. كان الأمر واضحًا بالنسبة لمردخاي وإستر: إن مشيئة الله حماية شعبه، اليهود، من الدمار والخلاص.

11. ما مسیحیان معتقدیم که خداوند در عیسی ما را با عشق ملاقات می کند ، زیرا "خداوند محبت است" ( اول یوحنا 4.16 ) و " بزرگتر از اینها محبت است." ( اول قرنیتیان 13، 13). از خود می پرسیم: آیا آنچه که ما برای آن قائل هستیم از این عشق خداوند به همه ی مردم ناشی می شود؟ آیا حداقل با این عشق به خدا سازگار است؟ یا با او در تضاد است؟

11-نحن المسيحيين نؤمن أن الله يلتقي بنا في محبة يسوع ، لأن "الله محبة" (يوحنا الأولى 4: 16 ج) و "الأهم من ذلك كله ... هو محبة" (كورنثوس الأولى 13 ، 13 ب). نسأل أنفسنا: هل ما نوّيده يأتي من محبة الله هذه لجميع الناس؟ هل يتوافق على الأقل مع محبة الله هذه؟ أم أنها تتعارض معها؟

12. اول باید مشخص شود که : مبارزه برای ایمان مسیحی، برای برابری همه مردم، برای خانواده خود مطابق با خواست خدا است. مورد دیگر این است: اکنون دقیقاً چه باید کرد؟ در حال حاضر چشم انداز موفقیت مانند استر چگونه است؟ چگونه یک امر خیر می تواند به هدفی که برای آن تلاش می کند نیز برسد؟ در اینجا مانند استر ذهن هوشیار و دعا مهم است. "به من کمک کن تا راه درست را بیابم ، خدای عزیز. بگذار با توجه به موقعیت، هدفمند و درست عمل کنم و به آنچه انجام می دهم برکت ده. "

12-شياء واحد هو التأسيس: النضال من أجل الإيمان المسيحي ، من أجل المساواة بين جميع الناس ، من أجل عائلته يتوافق مع إرادة الله. والآخر: ما العمل بالضبط الآن؟ ما هو احتمال النجاح الآن - كما هو الحال مع إستر - ؟ كيف يمكن للنوايا الحسنة أيضاً أن تحقق الهدف الذي تسعى إليه؟ هنا - كما هو الحال مع استير - الذهن اليقظ والصلاة مهمان. "ساعدني في العثور على الطريق الصحيح ، يا عزيزي الله. اسمحوا لي أن أتصرف بطريقة هادفة وبشكل صحيح وفقاً للوضع وأبارك ما أفعله. "

13. این سوال همچنين مهم است: با چه وسايلي مي توانم مانند استر درگير شوم و براي يك هدف خوب بجنگم؟ يك چيز واضح است: همه ي ابزارها حتي براي دستيابي به يك هدف خوب مجاز نيستند. خشونت، فشار و دروغ نبايد متعلق به ابزارهاي ما براي تقويت ايمان، محافظت از افراد ضعيف و همچنين به عنوان مثال، منافع خانواده ي من باشد.

13-السؤال مهم أيضًا: بأي وسيلة يمكنني المشاركة والقتال مثل إستير من أجل هدف جيد؟ هناك شيء واحد واضح: لا يُسمح بكل الوسائل حتى من أجل تحقيق هدف جيد. لا ينبغي أن يكون العنف والضغط والكذب من وسائلنا لتقوية الإيمان وحماية الضعفاء، وأيضًا، على سبيل المثال، لتمثيل مصالح عائلتي.



14- في كثير من الأحيان ، يتم  
كسر الهدف الجيد بوسائل  
إشكالية. وحتى لو قاتلنا أشخاصًا  
آخرين من أجل قضية نبيلة: فهم  
أيضًا يتمتعون بالكرامة الإنسانية  
وقلة قليلة منهم سيئة مثل هامان.  
لذلك: من الجيد أن تختبر نفسك  
بشكل نقدي في معركة من أجل  
قضية جيدة: هل ما زلت على  
الطريق الصحيح أم يجب علي  
تصحيح سلوكي؟

14. اغلب اوقات، يك هدف خوب  
با وسايل مشکل ساز شکسته می  
شود و حتی اگر ما با دیگران به  
خاطر یک هدف خوب بجنگیم، آنها  
نیز دارای کرامت انسانی خواهند  
بود و تعداد کمی از آنها به بدی  
"هامان" هستند. بنابراین، خوب  
است که خود را به صورت انتقادی  
در یک مبارزه برای یک هدف  
خوب آزمایش کنید: آیا من هنوز  
در مسیر درست هستم یا باید  
رفتارم را اصلاح کنم؟

**15-القتال بشجاعة مثل إستير من أجل الخير - نشجع على القيام بذلك اليوم. يقول بولس: "كن يقظًا ، وتمسك بالإيمان ، وكن شجاعًا ، وكن قويًا!" (1 كورنثوس 16:13) يقول المصلح مارتن لوثر لصديق لم يجد الشجاعة بسبب العديد من الأسئلة والمخاوف أن تتصرف: "أخطئ بشجاعة" ، فتشجع على الثقة بالله وتصرف حتى لو أخطأت. نحتاج ونحصل على الشجاعة من فوق. مثل Esters، يمكننا أن ندافع بشجاعة ويقظة عن ما هو جيد ، حتى لو لم نعرف النتيجة بعد. لذلك ، مثل إستير ، يمكن أن ينعمنا الله في كفاحنا ونحقق هدفنا الصالح ، آمين.**

**15. شجاعانه مانند استر برای خوبی مبارزه کنیم - ما امروز تشویق می شویم این کار را انجام دهیم. پولس می گوید: بیدار شوید، در ایمان استوار باشید و مردان باشید و قوی باشید. (اول قرنیتیان 13، 16) مارتین لوثر، اصلاح طلب، به دوستش که به دلیل سوالات و نگرانی های زیاد، شهادت عمل را پیدا نمی کند می گوید: "شجاعانه گناه کنید" ، بنابراین در اعتماد به خدا شجاعت داشته باشید و حتی اگر اشتباه می کنید، عمل کنید. ما نیاز داریم و از بالا شجاعت دریافت میکنیم. مانند استر، ما می توانیم شجاعانه و هوشیارانه برای آنچه خوب است ایستادگی کنیم، حتی اگر هنوز نتیجه آن را نمی دانیم.**

**آمین**